

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزکار ایران (توفان)

۰۶ جولای ۲۰۱۹

## توسل به سیاست اقتصادی نوین ("نپ") در شوروی سوسیالیستی، برای توجیه نظام سرمایه‌داری در چین (۲)

لنین در اثر خود "در باره اهمیت طلا اکنون و پس از پیروزی کامل سوسیالیسم" می‌آورد:  
"تا قبل از پیروزی پرولتاریا رفرم محصول فرعی مبارزه انقلابی طبقاتی است. پس از پیروزی، رفرم (در حالی که در مقیاس جهانی همان "محصول فرعی" است) برای کشوری که در آن پیروزی به دست آمده است، علاوه بر این عبارت می‌شود از یک تنفس ضروری و مشروع در مواردی که قواء پس از استفاده حداکثر از آنها دیگر به عیان برای اجرای انقلابی فلان و یا بهمان انتقال کافی نیستند. پیروزی چنان "ذخیره‌ای از قواء" به دست می‌دهد که حتی در صورت عقب‌نشینی اجباری هم چیزی باقی می‌ماند که انسان بتواند هم به مفهوم مادی و هم به مفهوم معنوی کلمه، خود را روی آن بند کند. به مفهوم مادی یعنی تفوق قواء به حد کافی حفظ می‌شود که دشمن نتواند ما را به طور قطعی در هم شکند. به مفهوم معنوی یعنی آن که امکان داده نمی‌شود روحیه ضعیف گردد و بی‌نظمی پدید آید و ضمناً قضاوت هشیارانه در باره اوضاع و نشاط و استحکام روحی حفظ می‌شود و عقب‌نشینی به فرض بُعد مسافت آن هم باز به‌قاعده و اندازه انجام می‌گیرد و به‌قسمی انجام می‌یابد که بتوان آن را به‌موقع متوقف ساخت و بار دیگر به تعرض پرداخت.

ما به‌سوی سرمایه‌داری دولتی عقب‌نشینی کرده‌ایم. ولی ما قاعده و اندازه را در این عقب‌نشینی محفوظ داشته‌ایم. ما اکنون به جانب تنظیم دولتی بازرگانی عقب‌نشینی می‌کنیم. ولی ما اندازه را نگاه خواهیم داشت. علاماتی هست که پایان این عقب‌نشینی را نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که در آینده‌ای که چندان دور نیست امکان متوقف ساختن این عقب‌نشینی وجود دارد. هر قدر آگاهانه‌تر و یکدلانه‌تر و با خرافات کمتری این عقب‌نشینی ضروری را انجام دهیم، همانقدر سریعتر می‌توانیم آن را متوقف سازیم و همانقدر پیشروی پیروزمندان ما محکمتر و سریعتر و پرمنازتر خواهد بود" (منتخابات لنین به فارسی جلد دوم قسمت دوم صفحات ۷۳۷ و ۷۳۸).

البته این عقب‌نشینی زمینه مادی انحرافات در حزب را نیز به‌وجود آورد. کسانی که از پیروزی انقلابی سوسیالیستی مأیوس بوده و در پی سازش طبقاتی برآمده بودند، تمایل داشتند که این دامنه سرمایه‌داری توسعه یابد و نفوذ دولت برچیده شده و به‌داد و ستد به‌صورت آزاد و تابع نوسانات بازار میدان داده شود. استالین در آن زمان نوشت:

"ه) در باره نپ و مناسبات بازار

چهارمین اشتباه بوخارین مربوط به مسأله نپ می‌باشد. اشتباه بوخارین در این مورد عبارت از این است که دو جنبگی نپ را نمی‌بیند. او فقط یک جانب نپ را می‌بیند. در سال ۱۹۲۱، هنگامی که ما نپ را وضع می‌نمودیم، نیروی آن را به ضد کمونیسم جنگی یعنی به ضد آن رژیم و نظاماتی که هرگونه آزادی داد و ستد را منع می‌کند معطوف نمودیم. ما معتقد بوده و هستیم که معنای نپ آزادی معینی از داد و ستد است. بوخارین این جنبه مسأله را به‌خاطر سپرده است. و این بسیار خوب است. ولی بوخارین اشتباه می‌کند که تصور می‌نماید نپ منحصر به همین جنبه مسأله است. بوخارین فراموش می‌کند که نپ جنبه دیگری هم دارد. در حقیقت نپ به هیچ وجه دلالت بر آزادی تام داد و ستد یعنی نوسان آزاد قیمت‌ها در بازار نمی‌نماید. نپ عبارت است از آزادی داد و ستد در حدود معین و در قالب معین، به‌شرط تأمین نقش تنظیم‌کننده دولت در بازار. دومین جنبه نپ همانا عبارت از این موضوع است. ضمناً اهمیت این جنبه نپ از اولین جنبه آن اگر بیشتر نباشد کمتر نیست. نوسان آزاد قیمت‌ها که در کشورهای سرمایه‌داری معمول است در بازار کشور ما وجود ندارد. ما بهای غله را به طور کلی تعیین می‌نمائیم. ما بهای کالاهای صنعتی را تعیین می‌نمائیم. ما کوشش می‌نمائیم سیاست تنزل بهای تمام شده کالا و تخفیف بهای کالاهای صنعتی را عملی نموده در عین حال کوشش می‌نمائیم ثبات قیمت‌ها را در مورد محصولات کشاورزی حفظ نمائیم. مگر واضح نیست که چنین نظامات مخصوص و اختصاصی در بازار، به طور کلی در کشورهای سرمایه‌داری وجود ندارد.

نتیجه‌ای که از اینجا به‌دست می‌آید این است که، مادام که نپ وجود دارد باید هر دو جنبه آن حفظ شود: هم جنبه اولین آن که علیه کمونیسم جنگی معطوف بوده و هدفش تأمین آزادی معین داد و ستد است و هم جنبه ثانوی آن که علیه آزادی تام داد و ستد بوده و هدفش تأمین نقش تنظیم‌کننده دولت بر بازار می‌باشد. اگر یکی از این دو جنبه را از بین ببرید دیگر نپی برای شما باقی نخواهد ماند". (منتخب آثار ستالین مسائل لنینیسم، مقاله: در باره انحراف راست در حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی صفحات ۳۸۴ تا ۳۸۵).

در آن دوران مبارزه طبقاتی شدیدی نیز در حزب درگرفت که به شکست نظریات تروتسکی و بوخارین منجر شد. اگر در دوران لنین عقب‌نشینی معینی صورت نمی‌گرفت و همه چیز تابع نوسانات بازار می‌گردید، عملاً در جامعه طبقات سرمایه‌داری نوینی پدید می‌آمدند که به‌منزله یک طبقه اجتماعی به نبرد با پرولتاریا برمی‌خاستند و قدرت را از چنگ وی خارج می‌کردند.

حال این وضعیت را با شرایطی که در جمهوری توده‌ئی چین با الهام از تئوری‌های دن سیائو پین پدید آمده است مقایسه کنید.

رویزیونیست‌های دیروزی که حال ناچارند به نفی واقعیت رویزیونیسم در شوروی بپردازند، آن را کتمان کرده و تا روز آخر فروپاشی شوروی، این کشور سوسیال امپریالیستی را سوسیالیسم ناب جا بزندند، حال در مقابل پدیده سرمایه‌داری و سوسیال امپریالیستی چین قرار گرفته‌اند که راه فرار آنها را بسته است. روشن است که آنها پاسخی برای این تحول ندارند و ناچارند برای فرار از این بن‌بست، چین سرمایه‌داری را تا زمانی که خود آنها توبه رسمی خویش را منتشر نکرده‌اند، سوسیالیستی بنامند و با تئوری‌های من در آوردی نظیر "مرحله نپ" در چین، از سوسیال امپریالیسم چین دفاع کنند.

پذیرش چین سرمایه‌داری، پذیرش این واقعیت است که احزاب کمونیستی می‌توانند در روند مبارزه طبقاتی منحرف شده و در اصول مارکسیسم تجدید نظر نموده و جامعه را به سوی سرمایه‌داری به ضد منافع و مصالح پرولتاریا سوق دهند، پذیرش سرمایه‌داری بودن چین بیان آن است که رویزیونیسم دشمن پرولتاریاست و در هر کشور سوسیالیستی که بر سر کار بیاید آن جامعه را به سرمایه‌داری بازگشت داده و با توجه به قدرت آن کشور از آن یک ابرقدرت امپریالیستی می‌-

سازد. برای رویزونیستها که نمی‌خواهند آموزش ببینند بسیار سخت است که بپذیرند تجربه شوروی در چین تکرار می‌شود. عناد آنها با مارکسیسم کار آنها را در آینده سخت‌تر خواهد ساخت زیرا چین به وضوح ماهیت امپریالیستی خویش را به‌منصه ظهور خواهد رسانید. رویزونیستهای دیروزی باید رویزونیسم امروزی شوند و هر روز از چننه استدلال‌های خود توجیهاتی برای "سوسیالیستی" بودن چین بی‌آفرینند که این توجیهات چیزی به جز رویزونیسم نبوده و خیانت به سوسیالیسم و دفاع از سوسیال امپریالیسم خواهد بود. چین به همان دلایلی سوسیال امپریالیستی شده است که شوروی شد. نه شوروی و نه چین هیچ کدام بعد از تسلط رویزونیسم بر حزب و دولت، کشور سوسیالیستی نبودند، حتی اگر مالکیت بزرگ دولتی در آنها وجود داشته و یا دارد. از این نوع مالکیتها و انحصارها در دنیای امپریالیسم نیز وجود دارد، و شکل مالکیت هنوز مضمون مالکیت را روشن نمی‌کند. رویزونیستهای عنادورز امروزی ناچارند از انبان رویزونیسم که مدت‌ها خروشچف از همین تز دفاع می‌کرد و تئوری عقب‌نشینی در مقابل سرمایه‌داری "نپ" را علم کرده و اقتصاد با نقشه سوسیالیسم را نابود کرد، استفاده کنند و کارزار سوسیالیسم در چین را همان اقدامات لنین در دوران استقرار سیاست اقتصادی نوین جلوه دهند. کاری را که لنین در عرض یکسال انجام داد چینی‌ها در عرض چهل سال انجام می‌دهند که هنوز پایانی بر آن متصور نیست. سوسیالیسم نوع چینی با چاشنی اندیشه دن سیائو پین همان نظریه معروف وی است که می‌گفت: "گر به سیاه و سفید فرق نمی‌کند مهم آن است که موش بگیرد" هیچ کس بهتر از وی نمی‌تواند مضمون طبقاتی مبارزه‌ای را که در چین تا استقرار رویزونیسم وجود داشت بیان کند. چینی‌ها هرگز نگفته‌اند که در پی عقب‌نشینی به سرمایه‌داری برای رفع "عقب‌ماندگی‌های" جامعه چین هستند. آنها حتی تا به امروز نیز به دروغ خود را سوسیالیست جلوه می‌دهند ولی جرأت ندارند مصوبات کنگره‌های حزبی خویش را مانند گذشته به زبانهای گوناگون و به طور وسیع تکثیر کرده در اختیار علاقه مندان قرار دهند. مصوبات کنگره‌های حزبی ظاهراً مخفی است و یا سر و ته زده منتشر شده‌اند. حال "نپ" دوران لنین و ستالین را با "نپ" دوران دن سیائو پین و فرزندانش مقایسه کنید:

- ۱- لنین اعتراف می‌کرد که از سوسیالیسم به سمت سرمایه‌داری عقب‌نشینی کرده است و این اقدام را سوسیالیستی نمی‌دانست و آن را به‌منزله سوسیالیسم نیز برای طبقه کارگر جا نمی‌زد.
- ۲- لنین به عقب بازگشت و آنها نه به‌دوران آغاز سرمایه‌داری که فئودالیسم را برچیده بود، بلکه به‌دوران تمرکز سرمایه‌داری که انحصارات و مالکیت دولتی را که بهترین و ساده‌ترین شکل گذار به سوسیالیسم می‌دانست. اینها فقط اشکالی بودند که بلاواسطه قبل از گذار به سوسیالیسم وجود داشتند و گذار به سوسیالیسم را تسهیل می‌کردند. پس عقب‌نشینی لنین تنها یک گام به عقب بود.
- ۳- لنین به عقب برگشت تا خیز برای تهاجم به سرمایه‌داری و الغاء مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را مهیا کند و نه این که سرمایه‌داری را گسترش دهد و کارخانه میلیونر و میلیاردر سازی باز کند.
- ۴- لنین این اقدام را در خدمت تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا می‌دانست که محصول سرکردگی پرولتاریا در اتحادش با دهقان خرده‌پا بود. و نه تشدید استثمار طبقه کارگر با دستمزد ناچیز در معادن و یا اتاقکهای فاقد سیستم ایمنی، تا قدرت رقابت سرمایه‌داری چینی را در جهان افزایش دهد.
- ۵- لنین با این سیاست، طبقه کارگر و دیکتاتوری طبقه کارگر را تقویت نمود تا سوسیالیسم را مستقر کند.
- ۶- لنین تنها یکسال به این عقب‌نشینی دست زد و بعد از یکسال تهاجم به سرمایه‌داری را آغاز کرد و دهقانان میانی و تهی‌دست را در کشاورزی اشتراکی و یا دولتی متشکل کرد.
- ۷- لنین با این سیاستش در جهت نفی طبقات گام برداشت و نه تقویت و گسترش طبقات استثمارگر.

۸- لنین با این سیاستش مالکیت خصوصی بر وسایل تولید را تضعیف کرده و نابود نمود و نه این که این مالکیتها را تقویت نماید و شکاف میان شهر و روستا را افزایش دهد.

۹- لنین همین عقب‌نشینی سرمایه‌دارانه را با ابزار کنترل دولتی کامل کرد. دولت در دست پرولتاریا بود، بازرگانی خارجی در دست دولت بود، از سرمایه‌داران کلان سلب مالکیت خصوصی شده بود، نظام بانکی در اختیار دولت قرار داشت، صنایع بزرگ، نظام حمل و نقل و زمین و منابع اولیه و مواد خام همه در اختیار دولت پرولتری بود. بهای کالاها را نه نوسانات بازار آزاد بلکه دولت تعیین می‌کرد.

۱۰- لنین در دوران یکساله "نپ" خصلت برنامه‌ریزی، مدیریت مرکزی از بالا، برتری شاخص‌های برنامه نسبت به هزینه‌ها، طبیعت محدود مناسبات پولی- کالائی، موقعیت غالب مالکیت دولتی، ماهیت اجتماعی مالکیت دولتی و غیره را از بین نبرد تا قوانین اقتصاد سوسیالیستی را در پای انگیزه مادی و ثروت‌اندوزی نابود سازد و فریاد زند که کسب سود حداکثر، لکومتیو اقتصاد سوسیالیستی است.

۱۱- لنین به بهانه "نپ" مرزهای شوروی را باز نکرد تا سرمایه‌های خارجی و بانکهای سوئیسی به داخل شوروی هجوم آورند و در آن شعبه باز کنند و طبقه کارگر را غارت کرده و سود خود را به صورت ارز آزاد از شوروی خارج کنند.

۱۲- لنین با سیاست "نپ" به تولید شرکتها و مقاطعه‌کاران و سرمایه‌داران خصوصی مبادرت نورزید تا مقام مسوول بانک بزرگ سوئیس یعنی بانک یو بی اس (UBS) اعلام کند که ضروری می‌بیند برای جمع‌آوری سرمایه بیشترین تعداد میلیونرهای جهان، در چین شعبه باز کند و به طور مستقل و بدون نظارت مقامات چینی به فعالیت بپردازد.

۱۳- لنین به تأسیس بورس مسکو مبادرت نکرد و روبل را مانند یوان چینی به سبب ارزی صندوق بین‌المللی پول در کنار دالر، یورو، پوند و ین و یا هر ارز جهانی سرمایه‌داری مالی جهانی وارد نمود.

۱۴- بالاخره لنین حزب طبقه کارگر را به حزب میلیاردرها بدل نکرد.

همین مقایسه ساده نشان می‌دهد راهی را که رویزیونیستهای چینی پیمودند راه بوخارین بود و نه راه لنین. فراموش نکنیم که نظام حاکم سرمایه‌داری تک حزبی در چین پایه مادی خویش در جامعه را در عرض این چهل سال به صورت بورژوازی نخواستند فراهم آورده است. هم اکنون صدها میلیون نفر از این نظام متمتع‌اند و امکان ندارد بدون تشدید مبارزه طبقاتی و نابودی این بورژوازی نخواستند که به مقاومت خونین دست خواهد زد، و در تمام ارگانهای قدرت نفوذ و نیرو دارد، جمهوری سوسیالیستی چین را به وجود آورد. چین به یک انقلاب سوسیالیستی با رهبری حزبی کمونیستی نیاز دارد. رویزیونیستها به جای آموزش و بازگشت از راه گذشته و آموزش از تجربه تلخ شوروی خروشچفی در طی راه گذشته لجاجت به خرج می‌دهند و این امر نه تنها به خود آنها، که به حزب طبقه کارگر، به طبقه کارگر و به سوسیالیسم نیز صدمه می‌زند. رویزیونیستها می‌توانند همه اعمال امپریالیستی چین را حتی ایجاد پایگاه نظامی در کشور جیبوتی و یا غارت ماهیان سواحل افریقا با کشتیهای عظیم خویش را با تئوری "مسابقه مسالمت آمیز" خروشچفی توجیه کنند و مدعی شوند که "رفقای چینی" می‌خواهند همه امکانات را از دست امپریالیستها در یک رقابت صلح‌آمیز به‌در آورند و یکشنبه اعلام کنند که از فردا همه جوامع سوسیالیستی شده‌اند. البته با این استدلال معلوم نیست چرا آقای پوتین کمونیست قابل احترامی نباشد از کجا معلوم که وی نیز برای کلاه گذاردن سر امپریالیسم امریکا به این تاکتیک متوسل نشده باشد و بعد از نابودی امپریالیسم امریکا، یکشنبه اعلام نکند که کمونیسم در جهان پیروز شده است؟! برای رویزیونیستها مبارزه طبقاتی جایش را با تئوریهای توطئه عوض کرده است. این راهی است که به خیانت منجر خواهد شد.

رویزیونیستهای سرگردان کنونی باید بدانند که مارکسیست لنینیستها دست خود را برای فشردن تمام دستانی که از رویونیسم ببرند و به راه خدمت به طبقه کارگر باز گردند دراز می‌کنند، زیرا دشمن خونخوار و خبیث طبقاتی به قدری بیرحم و تبهکار است که در این مبارزه به هر نیروی مبارز نیاز فراوان هست. زخمهای گذشته تنها در مسیر یک مبارزه مشترک انقلابی طبقاتی قابل درمان اند.

برگرفته از توفان شماره ۲۳۲ تیرماه [سرطان] ۱۳۹۸ جولای ۲۰۱۹

ارگان مرکزی حزب کار ایران (توفان)

[www.toufan.org](http://www.toufan.org)